



# Sagor för barn på svenska

[berattelser.se](http://berattelser.se)

تینگلی و کاوه

Skriven av: Ingrid Schechter

Illustrerad av: Ingrid Schechter

Översatt av: Marzieh Mohammadian Haghghi

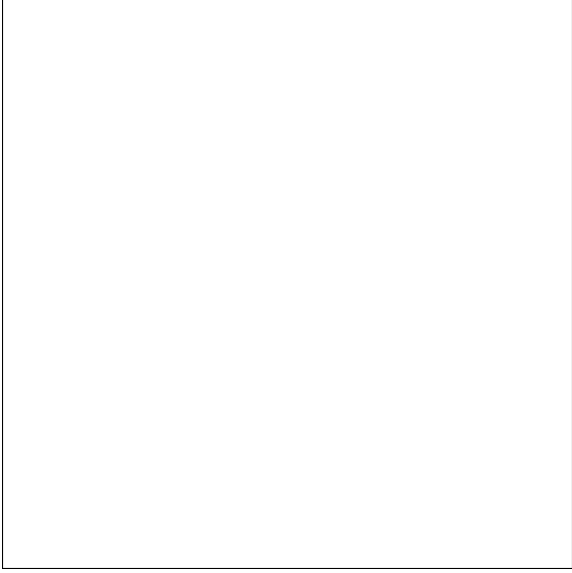
Denna saga kommer från African Storybook ([africanstorybook.org](http://africanstorybook.org)) och vidarebefordras av Sagor för barn på svenska (<http://berattelser.se/>), som erbjuder sagor på många språk som talas i Sverige.

Detta verk är licensierat under en Creative Commons

[Erkännande 3.0 Internasjonal Licens.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/deed.sv)

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/deed.sv>

تینگلی و کاوه



✎ Ingrid Schechter

🗉 Ingrid Schechter

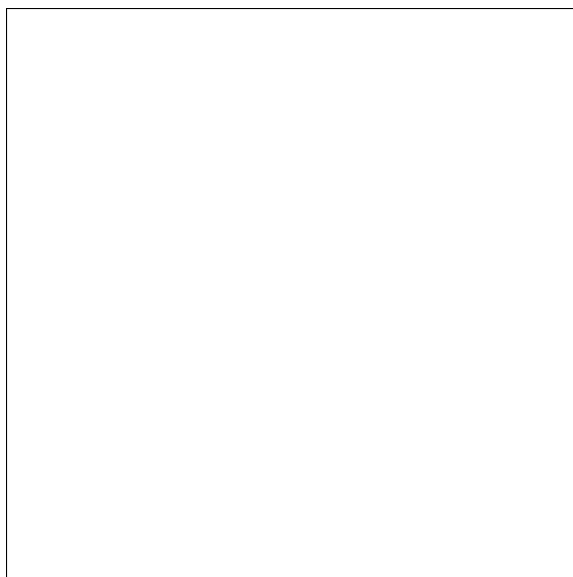
📖 Marzieh Mohammadian Haghghi

😊 persiska

|| nivå 2

(utan bilder)

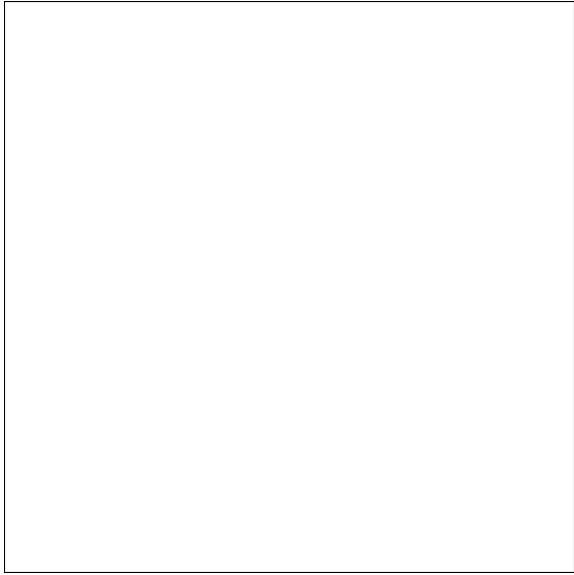


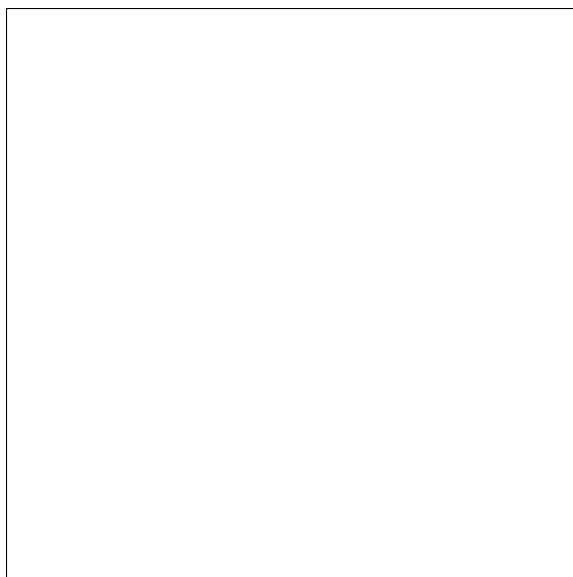


تینگى با مادر بزرگش زندگی می‌کرد.

بِسْمِ

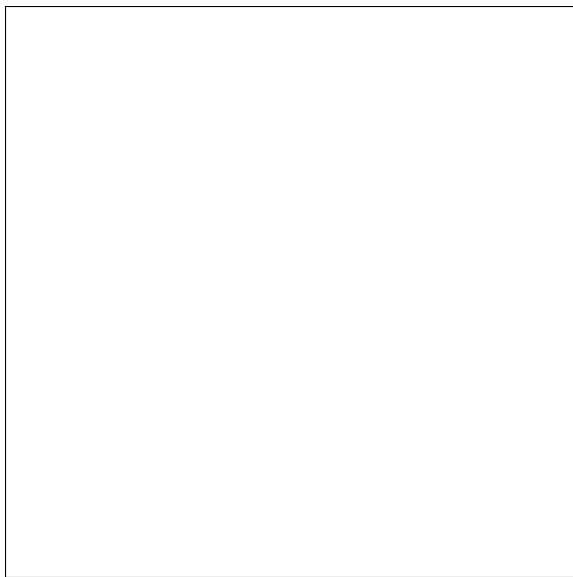
تَبَارَكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ السُّنُورُ وَلَا اللَّيْلُ وَلَا النَّوْمُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ عِزُّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ ذَكِيٌّ



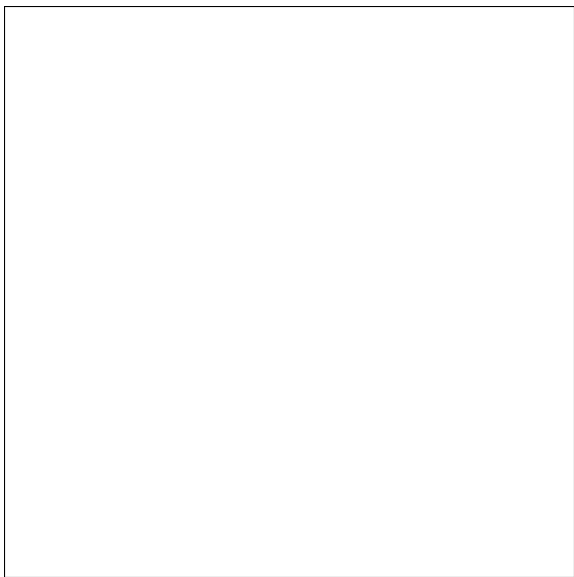


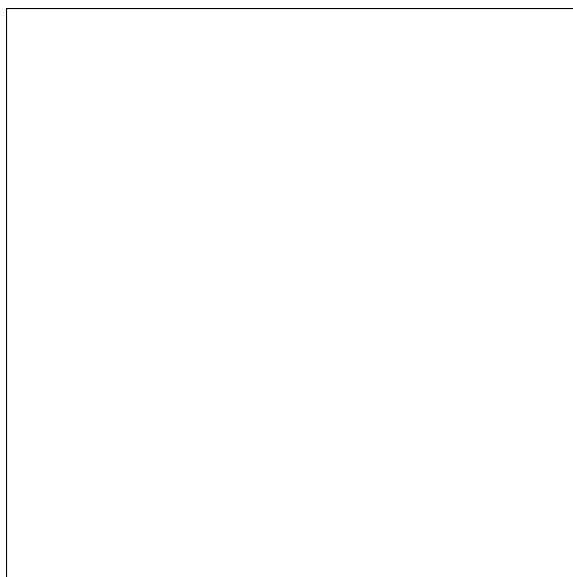
پیک روز سربازها آمدند.

آنها خیلی آرام به خانه رفتند.

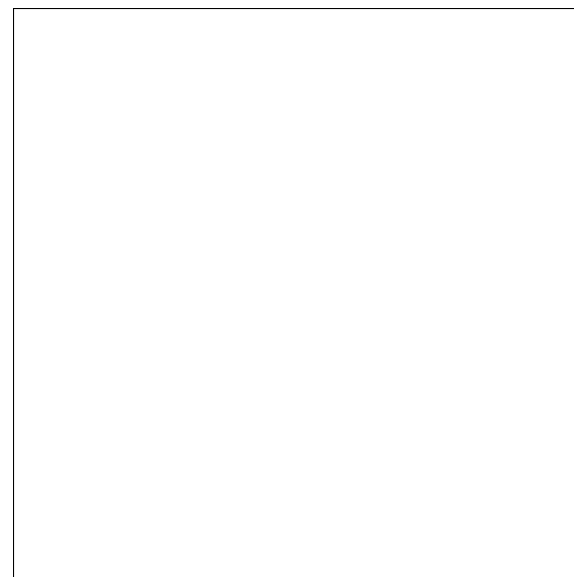


آنها گاوها را با خوشحالی بردند.



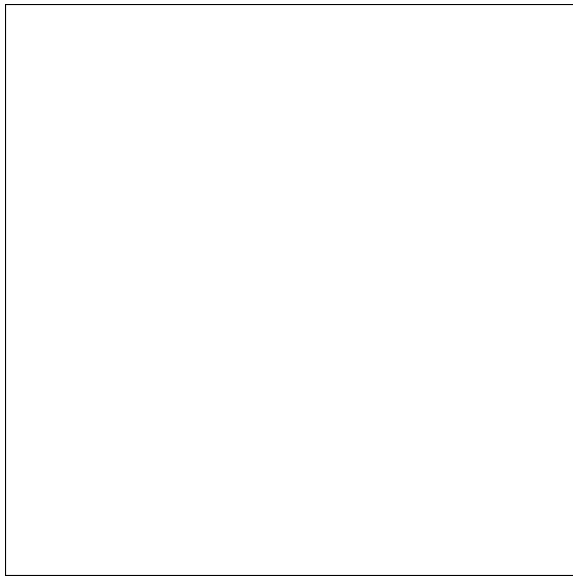


تینگی و مادر بزرگش فرار کردند و پنهان شدند.

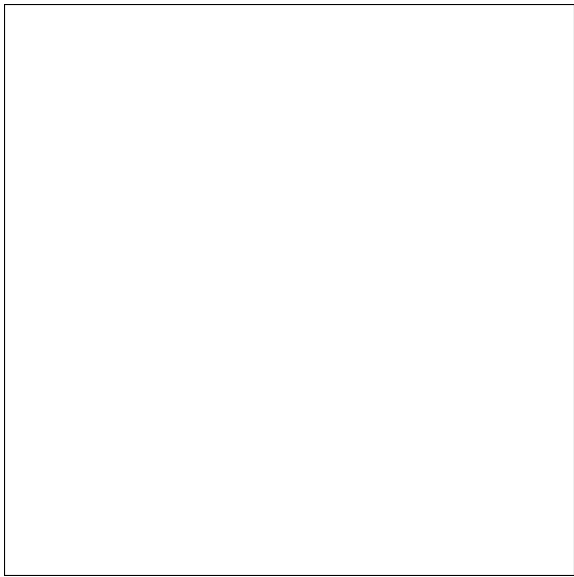


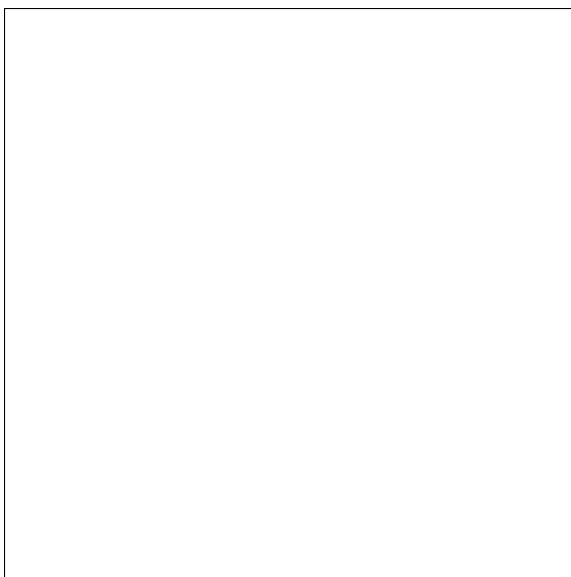
وقتی که همه چیز آرام شد، تینگی و مادر بزرگش بیرون آمدند.

یکی از سرزبانها پایش را درست روی تینگی گذاشت ولی او ساخت مانند.

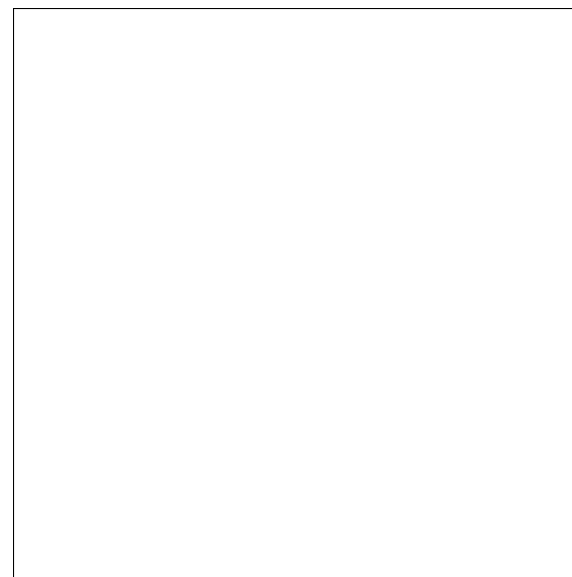


آنها در یک بویه تا شب مخفی شدند.





سربازها دوباره برگشتند.



مادر بزرگ تینگی را زیر برگ ها قایم کرد.